

بررسی بازی «جواد عزتی» و «علیرضا ثانی‌فر» بازیگران سریال «وحشی»

قدرتمند و باصلابت در ایفای نقش



سریال «وحشی» به کارگردانی «هومن سیدی» با بازی «جواد عزتی»، «نگار جواهریان» و «علیرضا ثانی‌فر» چند هفته ای است که دوشنبه‌ها از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود و قسمت هفتم آن شب گذشته منتشر شد. به همین بهانه به سراغ بازی دو بازیگر اصلی مرد این سریال یعنی «جواد عزتی» و «علیرضا ثانی‌فر» رفتیم و بازی آن‌ها را بررسی کردیم؛ بازیگرانی که در ایفای نقش هایشان باصلابت و قدرتمند حاضر شده‌اند.

جواد عزتی

جنس بازی «جواد عزتی» در سریال «وحشی» این روزها با تحسین زیادی روبه‌رو شده است. «عزتی» در نقش «داوود» ناخواسته مرتکب مرگ دو کودک می‌شود و چنان در انتقال احساس نگرانی، ترس، عذاب‌وجدان و استیصال تمام وجود با او همراه می‌شوند. درست

است که بخش مهمی از جذابیت سریال «وحشی» به‌خاطر فیلمنامه و کارگردانی «هومن سیدی» است اما نمی‌توان نقش «جواد عزتی» را در موفقیت این سریال به ویژه قسمت‌های ابتدایی آن نادیده گرفت.

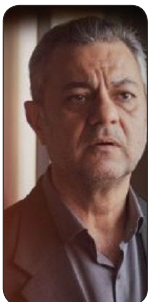
بازی «جواد عزتی» را بارها در موقعیت‌های پیچیده‌ای که کاراکترها در آن قرار می‌گیرند دیده‌ام اما در «وحشی» نوعی از بازی را به نمایش گذاشته که پیش‌تر از او سراغ نداشت‌ه‌ایم. «جواد عزتی» در سریال «وحشی» ایفاگر نقش یک کارگر ساده کارخانه است. در دو قسمت ابتدایی او را با لباس فرم کارگران می‌بینیم و گاه با تی‌شرت سفید یا مشکی. در پایان قسمت دوم وقتی از بقیه کارگردان می‌خواهد با او به مراسم ختم بچه‌های نانوا بروند، پیراهن مشکی مردانه می‌پوشد و تا پایان هم همین پیراهن به تنش است. او به‌طور کلی می‌تواند شامل یک کارگر سختی کشیده را که دو ماه است حقوقی نگرفته است به نمایش بگذارد.

«داوود» کاراکتر اصلی سریال «وحشی» است؛ مردی که از ابتدا به‌عنوان شخصیتی آرام و مدافع صلح معرفی می‌شود اما در شرایطی که قصدش کمک به دو کودک است، ناخواسته باعث مرگ آن‌ها می‌شود. «داوود» در حالی که دست‌وپایش را گم کرده و نمی‌داند باید در این شرایط چه‌کار کند، پا به فرار می‌گذارد. مخاطبان همراه با این شخصیت منوچه بی‌گناهی‌اش می‌شوند اما مشخص است که هیچ‌کسی دیگر حرفش را باور نمی‌کند. او دچار کابوس می‌شود و این دلهره و عذاب وجدان لحظه‌ای آرامش نمی‌گذارد. «داوود» که در ابتدای سریال به جشن تولد یک دختر بچه توجه نشان می‌دهد و از طرف پدرش برای او هدیه می‌خرد، به جایی می‌رسد که از ترس جانش کاتر بیخ گوش یک پیرمرد می‌گذارد و باز هم ناخواسته باعث مرگ یک انسان می‌شود. «داوود» نمونه‌ی باز در اصطلاح در بدترین زمان ممکن در بدترین مکان ممکن بودن است. او مدام بد می‌آورد و مدام فرار



می‌کند و مدام مرتکب جرم وحشتناک‌تری می‌شود. «عزت» به همراه چند نابازیگر توانسته است چنان انرژی به سریال تزریق کند که به اصطلاح نفس مخاطبانش را بند بیاورد! آن چه درباره نقش «داوود» بیشتر از همه اهمیت دارد این است که مخاطبان بتوانند تا حد ممکن با کاراکتر همدات‌پنداری و حس کنند مشکل او مشکل خودشان است و غم و اندوه و ناملایماتش را با تمام وجود درک کنند؛ دقیقاً کاری که «عزتی» با بازی در این نقش به طور کامل رقم‌زده است. ما عمق اضطراب، اندوه، استیصال و عذاب وجدان این شخصیت را درک می‌کنیم و به اندازه خود او هنگام تماشا، نفسمان بند می‌آید. «عزتی» پیش‌تر در فصل اول سریال «زخم کاری»، زمانی که برای اولین بار دست به قتل می‌زد، به چنین حالتی دچار می‌شد اما در این سریال جایگاه «مالک» با «داوود» فرق داشت؛ قتلی که توسط «داوود» انجام می‌شود هیچ سود مالی ندارد و کاملاً ناخواسته است. «داوود» آه در بساط ندارد و می‌داند اگر گرفتار شود تمام زندگی خودش و پدر و مادرش سیاه می‌شود. برای همین هم جنس بازی «جواد عزتی» در این سریال متفاوت است. در تمام مدت او را در موضع ترس و پایین‌تر از جایگاه واقعی‌اش می‌بینیم. حتی زمانی که کنار دست نوه ۱۱ ساله پیرمرد قرار می‌گیرد نمی‌تواند به خودش مسلط باشد و می‌توانیم ترسش را حس کنیم. او علاوه بر تغییر لحن صحبت کردن، با شیوه نگاه کردن و حتی نفس‌نفس زدنش کاری کرده است که حس کنیم سال‌هاست «داوود» را می‌شناسیم.

علیرضا ثانی فر



بازی «علیرضا ثانی‌فر» را پیش‌تر در سریال‌ها و فیلم‌های مختلف دیده‌ایم اما در نقش مسئول پرونده «داوود اشرف» در سریال «وحشی» شاهد وجهی جدید از بازی‌اش هستیم. او در همین چند قسمت حضورش در سریال توانسته است خودش را به عنوان یک بازپرس به مخاطبان ثابت کند. او شمایلی از یک بازپرس باتجربه و کاربلد درعین‌حال خونسرد را به نمایش گذاشته است. با توجه به این که «علیرضا ثانی‌فر» در نقش بازپرس پرونده کاراکتر «داوود اشرف» بازی کرده است، او را معمولاً با لباس رسمی می‌بینیم؛ پشت میز کارش پیرهن آستین بلند به تن دارد و در صحنه قتل با کت‌وشلوار؛

خاطره‌بازی با سریالی به‌یاد ماندنی بعد از ۲۹ سال

ماجرای تولد و تولید «خانه سبز»

گروه سینما و تلویزیون- با پایان بازپخش سریال «همسران» از شبکه آی‌فیلم، از سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت سریال «خانه سبز» جایگزین آن شد؛ سریالی خاطره‌انگیز که به لحاظ زمانی هم درست بعد از «همسران» ساخته شد. این سریال به واسطه سوز‌های متنوع، بازی درخشان بازیگران، موسیقی خاطره‌انگیز و به‌طور کلی درگیر کردن احساسات مخاطبان، به یکی از به‌یاد ماندنی‌ترین سریال‌های تلویزیونی تبدیل شد. حالا ۲۹ سال از اولین پخش آن در سال ۱۳۷۵ می‌گذرد و هنوز هم با تمام نقدهایی که به آن وارد است، به دلنمان می‌نشیند. سریال «خانه سبز» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مشترک «بیژن بیرنگ» و زنده یاد «مسعود رسام» از محصولات گروه فیلم و سریال شبکه دو است که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۵ روی آنتن این شبکه رفت. علاوه بر زنده یاد «خسرو شکیبایی» بازیگران دیگری همچون «مهرانه مهین‌ترابی»، «آرتم فقیه‌نصری»، «اکرم محمدی»، «رامبد جوان» و زنده یادان «داریوش اسدزاده» و «نادره خیرآبادی» در این مجموعه نقش آفرینی کردند. سریال «خانه سبز» یک مجموعه تلویزیونی پس از پخش موفقیت‌آمیز و چشمگیر سریال «همسران» در سال ۱۳۷۵ توانست به موفقیت خیره‌کننده‌ای برسد که تا سال‌ها رکورد مخاطبان تلویزیون را با تعداد بینندگان این مجموعه نگه داشت و به اثر خاطره‌انگیز تبدیل شد که بی‌گمان شکل و شمایل جدید داستان پردازی و روایتش، یک اتفاق جدید در عرصه سریال‌سازی و یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جذب مخاطب شد، مولفه‌ای که بی‌هیچ تردیدی «خسرو شکیبایی» و دیگر بازیگران اثر به همراه موسیقی تیتراژ و دیگر جزئیات نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا کردند.

باشید، چون به تعبیر اکثر مخاطبان قدرت و جذابیت سریال مدیون

بازی «شکیبایی» و احساسات عمیق و واقعی او بود که کل سریال جریان داشت. «مهرانه مهین‌ترابی» که به واسطه بازی در «همسران» به جایگاهی ویژه نزد مخاطبان رسیده بود، با «خانه سبز» و در همراهی با «خسرو شکیبایی» به «عاطفه» ای ماندگار بدل شد؛ زنی که بر خلاف نقشش در «همسران»، سلطه‌گر نبود و اتفاقاً به واسطه مهرورزی و همراهی و احساساتش بود که در کنار کاراکتر «رضا» به چشم می‌آمد. بخش مهمی از بار بارمزه بودن سریال، روی دوش رامبد جوان» بود؛ پسر جوانی که آن زمان پر از انرژی و شیطنت بود. او با «وحید جنگلیر» به شهرت رسید و خودش عامل مهمی برای جذابی سریال شد. یکی از ویژگی‌های مهم «خانه سبز» این بود که خانه در این مجموعه کاراکتر داشت؛ خانه‌ای که تک‌تک ساکنانش را یکی از اعضای این خانواده تشکیل می‌داد و حتی پشت‌بامش هم محل سکونت کوچکترین فرد خانواده بود. موسیقی تیتراژ «خانه سبز» هم جزو نکات خاطره‌انگیز آن بوده؛ شری که یک بیت ابتدایی آن یعنی «سبز سبزم ریشه دارم، به زمستان هم بهارم» متعلق به «محمد صالح‌علا» بوده و مابقی آن هم به دلیل کمبود وقت توسط خود عوامل سروده شده است. «بیژن بیرنگ»، کارگردان سریال خاطره‌انگیز «خانه سبز» بعد از گذشت سه دهه نکات جالبی درباره این سریال گفته است؛ از تغییر بازیگران، تا دلیل رنگ سبز خانه و چگونگی شکل‌گیری آهنگ تیتراژ آن. او مصاحبه‌ای مفصل با یک خبرنگارای انجام داده و در آن خاطرات جالبی درباره سریال «خانه سبز» گفته است.

حذف «گلاب آدینه» و «مهدی هاشمی»

«بیرنگ» درباره تغییر بازیگران سریال گفته: «ابتدا قرار بود آقای مهدی هاشمی و خانم گلاب آدینه بازیگران نقش اصلی باشند. قسمت اول را که نوشتم قرار بود پسر خانم گلاب آدینه، آقای رامبد جوان باشد. اما ایشان گفت به سن من نمی‌خورد که پسر به این بزرگی داشته باشم. گفتیم رامبد در این سریال فقط ۱۷ سال دارد. اما او بر حرفش افاشاری کرد و گفت من چند تا کارآموز دارم، آن‌ها را معرفی می‌کنم تا با شما بازی کنند. ما هم عصبانی شدیم و گفتیم خانم گلاب آدینه شما برو سریال خودت را با این کارآموزانت بساز، بگذار ما هم سریال خودمان را



گاه به طور جدی پاسخ سوالم را پیدا نکردم.»

رنگ سبز «خانه سبز»

«بیرنگ» خاطره جالبی هم درباره اسم «خانه سبز» و تاکید روی این رنگ سبز تعریف کرده: «از لوکیشین همسران، آن قدر استفاده کرده بودیم که دل و روده‌هایش بیرون ریخته بود؛ همان لوکیشنی که در تیتراژ نوشته بودیم با تشکر از خانواده محترم رجبی. این خانواده که صاحبخانه لوکیشن بودند دیگر معروف شده بودند. مانده بودیم چه کار کنیم که آقای مهران رسام برادر مسعود رسام گفت بیاییم لوکیشن را تغییر دهیم و بیرون آن را رنگ سبز بزنیم. گفتیم صاحبخانه اجازه نمی‌دهد سنگ‌ها را از بیرون رنگ سبز بزنیم. گفت روی آن ایرانیت می‌چسبانیم و روی ایرانیت را رنگ سبز می‌زنیم. همین کار را کردیم. بعد گفتیم نام سریال را چه بگذاریم که گذاشتیم خانه سبز؛ به همین راحتی.»

خلق سبز سبزم ریشه دارم

کارگردان «خانه سبز» خاطره جالبی هم از چگونگی شکل‌گیری ترانه تیتراژ مشهور این سریال تعریف کرده است: «آهنگساز ما یک ترانه ساخت، منتهی شعر نداشت. ما می‌خواستیم شعر روی آن بگذاریم. چند قسمت موزیک خالی را روی تیتراژ پخش کردیم. بعد گفتیم روی آن بگذاریم و آن را پخش کنیم. یک شب پیش آقای بهرام دهقانپار آهنگساز رفتیم تا آن را ضبط کنیم. پرسید شعرت را چه کار کنیم؟ گفتیم خودمان همین‌الان می‌سراییم. همان سبز سبزم را برداشتیم و خلاصه یک بیتش را این گفت و بیت دیگرش را آن گفت، بیت بعدی‌اش را من گفتم و شعر تکمیل شد.»

«بیرنگ» تعریف کرده که ترانه «سبز سبزم...» را ابتدا قرار بوده «خسرو شکیبایی» بخواند اما این تصمیم به جایی نرسیده. او گفته: «اول دادیم ایشان آن را خواند اما ماشاء... آن قدر افتضاح خواند که منصرف شدیم. البته الان ممکن است ترانه خسرو حالت نوستالژیک داشته باشد چرا که از دنیا رفته است، ولی سبز سبزمی که خواند واقعاً افتضاح بود چون صدایش، صدای خوانندگی نبود!»

دلیل حضور «شکیبایی»

حضور خسرو «شکیبایی» در این سریال یکی از مهم‌ترین عوامل محبوبیت و دیده شدن آن در آن سال‌ها بود. «شکیبایی» در حالی حاضر به بازی در این سریال شد که در آن سال‌ها در اوج دوران بازیگری‌اش قرار داشت و پیشنهادهای چشمگیری در سینما به او می‌شد. اما چه اتفاقی افتاد که او قبول کرد در این سریال بازی کند. «بیژن بیرنگ» یکی از کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌های این سریال در توضیح این ماجرا می‌گوید: «واقعیت امر این است که این یک شانس و اقبالی بود که برای ما پیش آمد. در یک شرایطی یکی از دوستان ما که طراح صحنه است، خانم جهان ملک خرابی گفت: می‌خواهید به خسرو رنگ بزنیم؟ این روزها کارش در سرزمین خورشید تمام شده است. ما هم با کمال میل قبول کردیم. تماس گرفت و خسرو گفت: هفته دیگر می‌آیم تهران و صحبت می‌کنیم. آمد، صحبت کردیم و در همان جلسه اول کار را قبول کرد. «پاسخ مثبت شکیبایی برای بازی در یک سریال تلویزیونی آن هم در اوج شهرت و محبوبیت برای بیرنگ هم تعجب برانگیز بود: «آقای شکیبایی در اواخر دهه ۶۰ به اوج شهرت خودشان رسیده بودند و در آن موقع بسیار مشهور، سرشناس و معروف بودند. این یکی از سولاتی است که من هیچ گاه جواب آن را پیدا نکردم. البته یک بار به شوخی به ایشان گفتم: خسرو چرا آمدی کار را قبول کردی؟ گفت: چون می‌خواستم ببینم توور سام چه جوری باهم کار کردانی می‌کنید. اما هیچ

توسعه کسب و کار خود را به با بسارید

تلفن: ۰۵۸-۳۲۲۳۳۹۷۶۴

جذب آگهی در روزنامه خراسان شمالی